

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## زندگانی مرحوم علامه طباطبایی



### شرح حال مرحوم علامه طباطبایی

علامه سید محمد حسین طباطبائی از یکی از خاندانهای بزرگ علم برخاسته است و چهارده پشت ایشان از دانشمندان و علمای بنام تبریز بوده اند. ولادت ایشان در پایان سال ۱۳۲۱ هجری قمری مصادف با ۱۲۸۲ شمسی در تبریز به وقوع پیوست و ایشان در زادگاه خود تحصیلات مقدماتی را دنبال نمود.

پس از اتمام اولین مراحل علمی در ۱۳۰۴ رهسپار نجف اشرف شد و ده سال در آن مرکز بزرگ تشییع به تکمیل معلومات خود در شعب مختلف علوم اسلامی پرداخت. فقه و اصول را نزد استادان معروف (( نائینی و کمپانی )) و فلسفه را نزد (( سید حسین بادکوبی )) (که خود از شاگردان جلوه و آقا علی مدرس بود و ریاضیات را نزد)) آقا سید ابوالقاسم خوانساری (( و اخلاق را در محضر)) حاج میرزا علی قاضی (( که در حکمت عملی و عرفان، مقامی بس ارجمند داشتند تلمذ کرد. سپس در سال ۱۳۱۴ به زادگاه خود مراجعت فرمود.

تحصیلات علامه طباطبائی فقط محدود به سطوح عادی فقه نبود بلکه علاوه بر عمیق ترین تحصیلات در صرف و نحو و ادبیات عرب و فقه و اصول، ایشان یک دوره کامل از ریاضیات قدیم از (( اصول (اقلیدس تا) )) مجسطی (( بطلمیوس و نیز فلسفه و کلام و عرفان و تفسیر را فرا گرفت و در این علوم به مرحله اجتهاد نائل آمد.

شهرت علامه طباطبائی در تهران و حوزه های دیگر علمی ایران خارج از تبریز هنگامی آغاز شد که در اثر حوادث سیاسی جنگ دوم جهانی و عواقب بعد از آن، ایشان از مسقطالراءس خود به قم مهاجرت کرد و از سال ۱۳۲۵ در آنجا ساکن شد و بدون کوچکترین سر و صدا مجالس درس خود را در تفسیر و حکمت آغاز کرد و در سفرهای پیاپی به تهران با علاقه مندان به حکمت و معارف اسلامی نیز تماس حاصل نمود و حتی از بحث و مناظره با مخالفان دین و حکمت، دریغ نورزید و از راه عقل و منطق، بسیاری از افرادی را که از طریق صواب منحرف شده بودند به درک حقایق دینی و حکمی نایل ساخت و توانست در عرض بیست و چند سال اخیر، اثر عمیقی از خود نه تنها در طبقه روحانیت بلکه بین عده ای از طبقه متجدد و تحصیل کرده در غرب بجا گذارد.

سالیان دراز هر پاییز بین ایشان و استاد هنری کربن مجالسی با حضور جمعی از فضلا و دانشمندان تشکیل شده است که در آن مباحثی حیاتی در باره دین و فلسفه و مسائلی که جهان امروز در مقابل شخص معنوی و جوینده حقیقت قرار می دهد، مطرح می شود و این جلسات نتایج بسیار مهمی به بار آورده است. بدون شک چنین جلساتی در سطحی آنچنان بالا و با افقی آنچنان وسیع در جهان اسلام امروز بی نظیر بوده است و حتی می توان گفت که از دوره قرن وسطی که تماس فکری و معنوی اصیل بین اسلام و مسیحیت قطع شد، چنین تماسی بین شرق اسلامی و غرب حاصل نشده است.

در حوزه علمیه قم ، خدمت بزرگ علامه طباطبائی ، احیای علوم عقلی و نیز تفسیر قرآن کریم بوده است . به تدریج ایشان تدریس سطوح اساسی حکمت مانند کتاب (( شفاء )) و (( اسفار )) (را متداول ساخت . شخصیت بارز ایشان و تخلق به صفات حمیده و حسن سلوک در تماس با طلاب ، هر روز گروه بیشتری از افراد علاقه مند و با استعداد را بسوی مجالس درس ایشان جلب کرد تا در سالیان اخیر در درس حکمت ، صدها طلبه حضور داشتند و در طی بیست و چند سال گذشته عده کثیری دانشمند که برخی اکنون خود اساتید حکمت هستند، موفق به نیل به مقام اجتهاد در این علم نفیس ، تحت ارشاد علامه طباطبائی شدند .

شاید حتی مهمتر از خدمت ایشان به حکمت که از طریق تربیت عده کثیری از طلاب و نشر کتب انجام پذیرفته است ، توجه علامه طباطبائی به اهمیت تربیت اخلاقی و تزکیه نفس بین شاگردان خود بوده است . ایشان در واقع به تنهایی مکتب جدیدی در تربیت افرادی که علم و اخلاق را تواءم توسعه داده اند تاسیس کرده و اشخاصی بس لایق به جامعه تقدیم داشته و همواره لزوم تواءم کردن آموزش و پرورش را تاءید کرده است ؛ امری که همیشه از اصول اولیه فرهنگ اسلامی ایران بوده است و متأسفانه امروزه در نظام مدارس جدید و حتی در مدارس قدیم تا حدی فراموش شده است .

## شمیری از مرقوم علامه طباطبائی

### مهر خوبان

مهر خوبان دل ودین از همه بی پروا برد  
رخ شطرنج نبرد آنچه رخ زیبا برد  
تو مپندار که رخ مجنون سر خود مجنون گشت  
از سمک تا به سهایش کشش لیلی برد  
من به سر چشمه خورشید نه خودم بردم راه  
ذره ای بودم و مهر تو مرا بالا برد  
من خس بی سر و پایم که به سیل افتادم  
او که می رفت مرا هم به دل دریا برد  
جام صهبا ز کجا بود مگر دست که بود  
که در این بزم بگردید و دل شیدا برد  
خم ابروی تو بود و کف مینوی تو بود  
که به یک جلوه ز من نام و نشان یک جا برد  
خودت اموختیم مهر و خودت سوختیم  
با بر افروخته رویی که قرار از ما برد  
همه یاران به سر راه تو بودیم ولی  
خم ابروت دید و زمن یغما برد  
همه دلباخته بودیم و هراسان که غمت  
همه را پشت سر انداخت مرا تنها برد

## چند گرامت از مرقوم علامه طباطبائی

## شاه حسین ولی

مفسر بزرگ قران علامه سید محمد حسین طباطبایی فرمودند: پیش از جنگ جهانی دوم اینجانب برای تحصیل به حوزه علمیه نجف رفتم و به خاطر شرافت و عزت خانوادگی خود را به هیچ یک از مراجع نجف معرفی نمودم و برای اداره زندگیم هر ماه حواله ای از طرف پدرم تبریز می آمد.

پولی که از سوی پدرم می رسید زندیگم را تامین می کرد تنها گاهی اتفاق می افتاد که دیر می رسید و برای این کار راهی یافته بودم و ان این بود که با بقال و نانوايي قرار داشتم که ضروریات زندگی را نسیه می اورم تا هنگامی که پول می رسید می پرداختم.

جنگ جهانی دوم شروع شد و رفت و آمد مشکل و چند ماه بود که پول نرسید. قصاب و بقال و نانوا گفتند: اقا سید حساب شما زیاد شده و دیگر از نسیه دادم معذوریمتا شما بدهی گذشته خویش را پردازید.

شرمندگی بدهکاری از یک سو بی پولی برای تهیه غذا از سوی دیگر مرا در فشار قرار داد. ناراحت شدم و به حرم امیرمومنان (ع) رفتم و به ان بزرگوار توسل جستیم و حل مشکل خویش را از خدا خواستم.

به خانه بازگشتم و در این اندیشه بودم که دیدم صدای کوبه در به گوش می رسد. رفتم دیدم سید لاغر اندامی که کلاهی بر سر و عبایی بر دوش داشت در را می زند. پس سلام و تعارفات معمولی که میان ما گذشت گفت:

سید محمد حسین خدا به تو خیلی سلام می رساند و نی فرماید: بیست سال است که تو را از خطر تهیدستی و غربت حفظ کردیم باز هم وامانده نخواهی شد و در این هفته مشکلات خل خواهد شد.

گفتم: شما کیستید؟

گفت: من شاه ولی هستم و بناگاه از نظرم ناپدید شد.

به منزل بازگشتم و تازه به فکر فرو رفتم که: «که خدا به سلام رساند یعنی چه؟ پی از اندیشه بسیار برایم حل شد چرا که در روایات دیده بودم که خدا به وسیله جبرئیل به سلمان، آبی ذر و..... سلام می رسانید.

با خود گفتم: «اگر به راستی در این هفته مشکل حل شد باید بپذیرم که این نوید غیبی است و عجیب این که دو روز بعد چند نفر از بازرگانان تبریز آمدند و پول چهار ماه را پدرم را که فرستاده بود آوردند.»

پی از ان سوال دیگری در ذهنم طرح شد که بیست سال کدام است؟ اگر منظور عمرم باشد که خیلی بیشتر است و اگر منظور روز ورود به نجف باشد که ان هم هنوز بیست سال نشده است. در فکر بودم که دل در یافتنم که اکنون بیست سال است که به لباس روحانیت ملبس شده ام. پس از ان که سوال سوم مرا به خود مشغول داشت که «شاه ولی» که بود؟ هر چه فکر کردم پاسخ نیافتم و از هر کس پرسیدم به جایی راه نبردم تا این که از نجف به ایرن و به تبریز رفتم.

به منزل یکی از علمای ان شهر رفتم و در انجا از کتابی در کتابخانه ان روحانی که «هزار مزار» نام داشت با عنوان «مزار شاه ولی» رو به رو شدم و هنگامی که خواندم اوصاف و نشانه های او را همان گونه که دیده بودم مطالعه کردم و قبر او را در یکی از قبرستان های قدیمی تبریز پیدا کردم و دیدم که حدود ۲۰۰ سال پیش از دنیا رفته بود

## دیدار با حضرت ادریس

مرحوم علامه طباطبایی می نویسد:

به یاد دارم هنگامی که در نجف اشرف در تحت تربیت اخلاقی و عرفانی مرحوم حاج میرزا علی آقای قاضی رضوان الله علیه بودیم سحر گاهی بر بالای بام بر سجاده عبادت نشسته بودم. در این موقع نعاسی (چرت و خواب سبک) به من دست داد و مشاهده کردم دو نفر در مقابل من نشسته اند. یکی از آنها حضرت ادریس علی نبینا واله علیه السلام بود و دیگری برادر عزیز و ارجمند خودم آقای حاج سید محمد حسن طباطبایی بودند.

حضرت ادریس با من به مذاکره و سخن مشغول شدند ولی طوری بود که ایشان القاء کلام می نمودند و تکلم و صحبت می کردند ولی سخنان ایشان به واسطه کلام اخوی استماع می شد..... و این اولین انتقالی بود که عالم طبیعت را برای من به جهان ماوراء طبیعت پیوست و رشته ارتباط ما از این جا شروع شد.

## دل شکسته حوری

مسجد کوفه فضای ملکوتی داشت. زمزمه عارفانه صدها عاشق پاکبخته مثل تذم باران زیبا بود. علامه به نماز ایستاده و روزنه ای از بهشت برویش باز شده بود. اما او با بهشت کاری نداشت غرق در صورت زیبای یار بود. ناگهان نگاهش در نگاه موجودی اهورایی گره خورد. خودش بود. آنچه که همیشه مرحوم قاضی تذکرش را می داد:

-... برای کسی که قدم در این راه گذاشته این چیزها برایش عادی است، به هیچ وجه توجهی نکنید.....!

حوری در حالی که جام شراب بهشتی را نشان می داد درست در مقابل چشمان علامه ایستاده بود. علامه توجهی به او نکرد. حوری رفت و از جانب چپ آمد و باز تعارف کرد. علامه باز چشم پوشید و عاقبت تلاش حوری به نتیجه نرسید. رنجیده خاطر شد و رفت.

علامه وقتی از نماز فارغ شد متاثر شد. در عمرش دل کسی را نشکسته بود. متاثر از این جهت که دل حوری را شکسته است.

## آثار علامه طباطبائی

- از ایشان آثار علمی بسیار بجا مانده است که قسمتی از آنها بدین قرار است :
- ۱ - تفسیر المیزان -
  - به زبان عربی (در ۲۰ جلد) و ترجمه فارسی آن تا کنون بارها چاپ شده است .
  - ۲ - اصول فلسفه و روش رئالیسم -
  - با حواشی آقای مرتضی مطهری که سه جلد از پنج جلد آن تا کنون چاپ شده و بقیه به صورت خطی باقی است (۱) .
  - یک جلد عربی از آن نیز انتشار یافته است .
  - ۳ - حاشیه بر اسفار صدرالدین شیرازی -
  - که بر چاپ جدید اسفار که زیر نظر علامه طباطبائی در شرف چاپ است و شش جلد آن تاکنون انتشار یافته است -
  - نوشته شده است .
  - ۴ - مصاحبات با استاد کربن
  - در دو جلد که یک جلد آن در سالنامه مکتب تشیع ۱۳۳۹ انتشار یافته و جلد دیگر در شرف چاپ است . (۲)
  - ۵ - رساله در حکومت اسلامی -

که به فارسی و عربی و آلمانی چاپ شده است .

۶ - حاشیه کفایه .

۷ - رساله در قوه و فعل .

۸ - رساله در اثبات ذات .

۹ - رساله در صفات .

۱۰ - رساله در افعال .

۱۱ - رساله در وسائط .

۱۲ - الانسان قبل الدين .

۱۳ - الانسان في الدين .

۱۴ - الانسان بعد الدين .

۱۵ - رساله در نبوت .

۱۶ - رساله در ولایت .

۱۷ - رساله در مشتقات .

۱۸ - رساله در برهان .

۱۹ - رساله در مغالطه .

۲۰ - رساله در تحلیل .

۲۱ - رساله در ترکیب .

۲۲ - رساله در اعتبارات .

۲۳ - رساله در نبوت و مقامات .

۲۴ - منظومه در رسم خط نستعلیق .

۲۵ - علی و الفلسفة الالهيه (به فارسی ترجمه شده است )

۲۶ - قرآن در اسلام .

۲۷ - شیعه در اسلام (که همین کتاب مورد نظر است )

و چند رساله و مقالات دیگر

به علاوه از علامه طباطبائی مقالات متعددی در نشریات گوناگون مانند ((مکتب تشیع )) و ((درسهائی از مکتب اسلام

(( و ((راهنمای کتاب )) و... به انتشار رسیده است .

مهمترین اثر علامه طباطبائی یقیناً همان ((تفسیر المیزان )) است که تا کنون هفده جلد (۳) از آن - که شامل بیش از

نیمی از قرآن کریم می باشد - به اتمام رسیده است . این اثر نفیس از بزرگترین تفاسیر عصر حاضر است و همان

خدمتی را که تفاسیر بزرگ قدیم با توجه به علوم و فلسفه زمان خود در فهم قرآن به مسلمانان اعصار گذشته انجام

داده است ، برای نسل فعلی انجام می دهد. وانگهی علامه طباطبائی روش جدیدی در تفسیر به کار برده است که

مبتنی بر نص حدیث است و آن تفسیر آیات قرآنی توسط سایر آیات می باشد. امروزه تمام وقت علامه طباطبائی

مصروف تالیف این اثر بزرگ می شود و امید می رود که ایشان بتوانند آن را به پایان رسانند (۴) .

علامه طباطبائی با نهایت متانت و بدون توجه به جار و جنجال و سر و صدا و زرق و برق ظاهری ، زندگی ساده خود را

در خدمت به علم و دین و تربیت شاگرد و تالیف کتب ارزنده ادامه می دهند.

پرگرفته از کتاب:

(۱) روح تخلص (داستان هایی از زندگی علامه طباطبایی)

(۲) کتاب شیعه در اسلام

رضا چهارده چریک

مدرسه نمونه علامه طباطبایی      کلاس دوم ریاضی